زمان

اجتماعی فرهنگی اقتصادی ورزشی

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان

مدیر مسئول: محمود حیدری

سردبیر: سعید حیدری

Web: zamandaily.ir

Email: Info@zamandaily.ir

تلفن: ۸۸۱۰۱۸۷۳ / ۸۸۴۸۱۸۹۰-۹۱

نمابر: ۸۸۱۰۱۸۷۴

نشانی: خیابان ولیعصر، ابتدای خیابان اسدآبادی خیابان ششم، پلاک ۳، طبقه دوم

امتیاز طرح ارزیابی کیفی: ۴۰ رتبه آگهی ها: ۴

چاپ: کارگر

اوقات شرعی

اذان صبح ۵/۰۵

اذان ظهر ۱۳/۰۶ اذان مغرب ۱۹/۵۶

یکشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۱

از جشنواره مرصاد و تنبور حمایت می کنیم

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد: این وزارتخانه از جشنواره ملی تئاتر مرصاد و جشنواره تنبور حمایت می کند. به گزارش زمان به نقل از ایرنا، «محمدمهدی اسماعیلی» عصر جمعه در آیین تجلیل از اصحاب فرهنگ و هنر و مداحان و هیات های مذهبی شهرستان اسلام آباد غرب با اشاره به اینکه جشنواره ملی تئاتر مرصاد تامش باید برای همیشه در تاریخ زنده بماند، گفت: در عملیات غرور آفرین مرصاد و زمانی که صدام به فکر فتح تهران بود، قدرت الهی و دست خدا ظاهر شد و منافقین بد سیرت را به گورستان تاریخ سپرد و چه بهتر که این عملیات مرصاد را بتوانیم با جشنواره های مردمی گره بزنیم. مرد فرهنگی دولت سیزدهم مسئولیت فرهنگ کشور را بر عهده مردم دانست و افزود: همپای ستادهای اقتصادی، ستاد هماهنگی امور فرهنگی کشور به ریاست رئیس جمهور تشکیل شده و به دنبال حکمرانی فرهنگی وزارت فرهنگ هستیم که گام‌های مهمی را در این خصوص برداشته ایم.اسماعیلی با اشاره به اینکه اسلام آباد غرب از شهرهای اسطوره‌ای در دفاع مقدس است که تامش با افتخار، سرافرازی، شهادت و ایثار گره خورده است گفت : تعداد بالای شهدای این منطقه و ایثارگران نشان از تاریخ پر افتخار این دیار دارد و این شهرستان در آغاز جنگ تحمیلی، درطول دفاع مقدس و روزهای پایانی جنگ شاهد ایثارگری فرزندانش بوده است.وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه دولت انقلابی در یک سال گذشته تحول مهمی را در مدیریت اجرایی کشور پدید آورده است، افزود: اگرچه دولت در شرایط تحریمی قرار داشته و با مشکلات درآمدی دست و پنجه نرم می کند اما نشان داد که با پشتیبانی مردم، کار جهادی و توکل به خدا کارهای بزرگ و تحولات عمیقی اتفاق می افتد لذا امروز دولت با شهامت به میدان حل مشکلات مردم آمده است.اسماعیلی گفت: امروز دولت در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاست داخلی و خارجی و جمهوری اسلامی در گام دوم سنگر به سنگر جلو میرود، به طوری که امروز جمهوری اسلامی مقتدر ترین دولت منطقه است و دنیا مجبور به کرنش در مقابل این مردم است.

برگزاری رالی گردشگری بین المللی خزر تا خلیج فارس



کانون جهانگردی و اتومبیلرانی رالی گردشگری بین‌المللی خزر تا خلیج فارس را اردیبهشت سال ۱۴۰۲ همزمان با روز ملی خلیج فارس برگزار می کند.

به گزارش زمان از ایرنا، این رالی گردشگری به مناسبت روز ملی خلیج فارس (۱۰ اردیبهشت) با حضور خودروهای دو دیفرانسیل و موتورسیکلت‌های مسافرتی بالای ۲۵۰ سی سی از ۱۰ کشور اروپایی و آسیایی به مدت یک هفته برگزار خواهد شد.خودروهای حاضر در این رویداد بین‌المللی با هماهنگی کانون جهانگردی و اتومبیلرانی از مرزهای مختلف وارد کشور خواهند شد و پس از گردهمایی در حاشیه دریای خزر، این رالی را آغاز و به سمت آب های نیلگون خلیج همیشه فارس حرکت خواهند کرد.استان‌های گیلان، قزوین، تهران، اصفهان، فارس و هرمزگان در مسیر عبور شرکت کنندگان قرار دارد و بازدید از اماکن تاریخی، فرهنگی و گردشگری شهرها و جاذبه های طبیعی شهرها و مناطق مختلف این استان‌ها بازدید خواهند کرد تا پس از آشنایی با طبیعت و تمدن کهن ایران، سفیران ایران امن، با شکوه و زیبا در کشورهای مبدأ خود باشند.

مراسم اختتامیه این رالی گردشگری بین المللی، همزمان با روز ملی خلیج فارس در جزیره کیش و در کنار سواحل خلیج فارس با معرفی نفرات برگزیده ای که با رعایت اصول صحیح رانندگی، احترام به قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، شیوه نقشه خوانی صحیح و مهارت مسیریابی، کمترین امتیاز منفی را به ثبت رسانده اند، برگزار خواهد شد. معرفی جاذبه‌های بی‌شمار گردشگری، تاریخی و فرهنگی در کریدور حمل‌ونقل شمال به جنوب، ترویج فرهنگ رانندگی ایمن در راستای کاهش تصادفات جاده‌ای، توسعه فعالیت‌های اتومبیلرانی در سطح کشور، توسعه سفرهای مسئولانه و همچنین گرامیداشت روز ملی خلیج همیشه فارس از مهمترین اهداف برگزاری این رالی گردشگری بین‌المللی خواهد بود. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به پایگاه اطلاع رسانی کانون جهانگردی و اتومبیلرانی و همچنین وب سایت اختصاصی دبیرخانه رالی گردشگری خزر تا خلیج فارس مراجعه کنند.

بازخوانی «مینا گیان» و «شیرین سوزه»



همایون شجریان خواننده موسیقی سنتی تصنیف‌های مینا گیان و شیرین سوزه از آثار فولکلور کردی را بازخوانی کرده است، مینا گیان با تنظیم آرش گوران منتشر شده است. سامان صمیمی (کمانچه)، حسین رضایی‌تبا (کوزه و بندیر)، داریوش بیژنی (کلارینت)، میثم مروستی (تکنواز ویلن)، میثم مروستی، سامان صمیمی، تیلوفر محبی، رایین توراتی، امین عطایی، نگار فرجی (ویلن)، میثم مروستی، دانیال جورابچی، امین عطایی، نگار فرجی (ویلن آلتو)، مهدی عبدی، یاسمن کوزه‌گر (ویلنسل)، هادی اسماعیلی (کنترباس)، پیمان حاتمی (گیتار باس)، آرمین خیردان (ساخت صدای پیانو رودز) و آرش گوران (پیانو رودز) نوازندگان و هنرمندان این تصنیف هستند.

همچنین تصنیف شیرین سوزه بر اساس چند ترانه کردی با آواز همایون شجریان و بازآفرینی و تنظیم آرش گوران منتشر شده است.سامان صمیمی (کمانچه)، شقایق صادقیان (فلوت)، داریوش بیژنی (کلارینت)، امیرحسین محمدیان (فاگوت)، مهسا یوسفی‌نژاد، لیلا بازغی (هُرن)، حسین رضایی‌تبا (دف و دایره)، میثم مروستی، سامان صمیمی، تیلوفر محبی، رایین توراتی، امین عطایی، نگار فرجی (ویلن)، میثم مروستی، دانیال جورابچی، امین عطایی، نگار فرجی (ویلن آلتو)، مهدی عبدی، یاسمن کوزه‌گر (ویلنسل)، هادی اسماعیلی (کنترباس) و همایون شجریان (تنبک) نوازندگان این اثر هستند. رضا فرهادی، پیمان حاتمی صدابرداران، استودیو کرگدن؛ ضبط موسیقی، رضا فرهادی میکس و مستر، ضبط آواز؛ کاوه عابدین (استودیو صبا)، شقایق شهابی امور برنامه‌ریزی ضبط، مهرداد عمرانی عکاس و جواد قاسمی طراح تهایی کاور از دیگر عوامل تصنیف‌های مینا گیان و شیرین سوزه هستند.

مدقالچی صدراعظم ایران!



تصرالله مدقالچی صداپیشه نقش میرزا حسین‌خان سپهسالار، صدر اعظم دربار ناصرالدین شاه در اتیمیشن سینمایی «ژولیت و شاه» شد.

ژولیت و شاه اتیمیشنی در ژانر کمدی-رمانتیک و موزیکال است که به وقایع تاریخی شکل‌گیری تئاتر غربی در ایران می‌پردازد. تصرالله مدقالچی، دوبلور پیشکسوت نقش میرزا حسین‌خان سپهسالار، صدراعظم دربار ناصرالدین شاه در اتیمیشن سینمایی ژولیت و شاه به نویسندگی و کارگردانی اشکان رهگذر را صداپیشگی می‌کند.بهنام جلیلیان، آهنگ‌سازی و میثم یوسفی، ترانه‌سرایی این اتیمیشن سینمایی را بر عهده دارند. بهزاد عمرانی، خواننده گروه بمرانی و امید تعمتی، خواننده گروه پالت نیز از دیگر صداپیشگان این اتیمیشن سینمایی هستند. در خلاصه داستان اتیمیشن سینمایی ژولیت و شاه به تهیه‌کنندگی آرمان رهگذر آمده است که «جولی بازیگر جویای نام ولی تازه‌کار تئاتر، توسط ناصرالدین‌شاه به ایران دعوت می‌شود تا نقش ژولیت را در نمایشی بازی کند. غافل از آنکه شاه نقشه دیگری برای او دارد.»

ژینوس پدرام بعد از اتیمیشن آخرین داستان برای دومین بار با استودیو هورخش در تدوین این پروژه همکاری می‌کند. امین قاضی، مدیر دوبلاژ این اتیمیشن سینمایی است و سام استودیو، ضبط صدای صداپیشگان اتیمیشن سینمایی «ژولیت و شاه» را انجام می‌دهد.این اتیمیشن سینمایی برای نخستین‌بار به بهانه حضور اشکان رهگذر به‌عنوان داور جایزه ساتوشی کن در جشنواره بین‌المللی فانتازیا ۲۰۲۱ روتمایی شد و پس از آن در جشنواره بین‌المللی اتیمیشن انسی ۲۰۲۲ به تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان جهانی معرفی شد.

حمله منافقین به خلبان جانباز ایرانی در آلمان



ابوالفضل گلفام کارگردان مستند «کفش‌های جیرجیرک‌دار» به ارائه توضیحاتی درباره این مستند که با محوریت زندگی یکی از خلبانان دوران دفاع مقدس ساخته شده است، پرداخت.

ابوالفضل گلفام کارگردان مستند «کفش‌های جیرجیرک‌دار» همزمان با عرضه اینترنتی این مستند، در گفتگو با خبرنگار مهر درباره آن توضیح داد: این مستند درباره جانباز خلبان، امیر سرتیپ یدالله واعظی است که در زمان جنگ خلبان هلی‌کوپر کبری بود. او از سال ۵۸ و در غائله کردستان، در جنگ حضور داشت و در عملیات مدافعان پل کرخه هم همراه با شهید کشوری حاضر بود. در سال ۶۱ در عملیات مسلم‌بن عقیل در منطقه غرب، هلی‌کوپتر او مورد اصابت موشک عراقی‌ها قرار می‌گیرد.وی ادامه داد: سرتیپ واعظی در عملیات نجات دزفول هم حضور داشت، زمانی که عراقی‌ها تا نزدیکی پل کرخه آمده بودند. در اسلام‌آباد غرب و آزادسازی بستان هم نقش داشتند و در عملیات شکست حصر سومار هم حدود ۱۳ تانک عراقی را زدند. در خیلی از عملیات‌های دیگر هم حضور داشته است.

این مستندساز افزود: زمانی که هلی‌کوپتر این خلبانان مورد اصابت موشک قرار می‌گیرد، برای آنکه تانک‌های عراقی نتوانند نیروهای خودی را قیچی کنند، مانع پیش‌روی عراقی‌ها به سمت سومار می‌شوند. در یک روز حدود ۸ ساعت پرواز برای عملیات داشتند و تانک‌های عراقی بسیاری را هم هدف قرار دادند که منجر به شکست عراق در آن منطقه شد.

وی درباره نحوه جانبازی سرتیپ واعظی هم گفت: وقتی موشک به بالگرد کبری اصابت می‌کند، آن‌ها سقوط می‌کنند و آن‌ها را از دل آتش بیرون می‌کشند. شهید شمشادیان که همراه او بوده است، به شهادت می‌رسد و سرتیپ واعظی هم جانباز می‌شود. بعد از این اتفاق، حدود دو سال سرتیپ واعظی تحت درمان بوده است.

گلفام افزود: ما خاطرات زیادی را از زبان سرتیپ واعظی در مستند روایت کرده‌ایم. یکی از آن‌ها مربوط به همین عملیات سومار بود که موفق می‌شوند در یک روز ۱۳ تانک عراقی را هدف قرار دهند. عمده کار آن‌ها شکار تانک بوده است. در منطقه کرخه حدود ۴۰ تا ۵۰ تانک را هدف قراردادند و مانع از پیش‌روی آن‌ها به سمت اندیمشک شدند. البته درگیری هوایی مستقیم با بالگردهای عراقی نداشتند.

این مستندساز درباره فعالیت‌های اخیر سرتیپ واعظی هم توضیح داد: ایشان بعد از آنکه جانباز شدند، تا چند سال پزشکی خواندند بعد آن را به دلیل شرایط جسمی و عدم امکان حضور در دانشگاه رها کردند و سراغ حقوق رفتند. امروز ایشان قاضی شورای حل اختلاف است و تا به امروز در چندین نوبت موفق به کسب تندیس صلح شده است. همواره تلاش دارند در کرسی قضاوت، کارشان همراه با صلح و آشتی باشد. در کنار این فعالیت، در بخش توانبخشی معلولان و جانبازان در زنجان هم فعالیت‌های دارند.

سخن حکیمانه

مقیاس ارزش انسان اهمیتی است که به وقت خود می‌گذارد.

رالف امرسون

در دنیای کتاب

تنها «او»ست که نجات‌بخش است



نویسنده رمان «پرواز اسب سفید» موفق شده سبک زندگی دینی را نه به صورت نمایشی و سطحی، بلکه عمیق و باورپذیر به مخاطب معرفی کند و در معرفی منجی موفق باشد.

کتاب «پرواز اسب سفید» نوشته «سیده عذرا موسوی» جدیدترین کار نویسنده است که در آخرین روزهای ۱۴۰۰ توسط انتشارات «به نشر» منتشر شده است.

«پرواز اسب سفید» داستان دختر شانزده‌ساله‌ای است به نام «گلبرگ» که پدرش ناخواسته قتلی را مرتکب می‌شود. اوضاع وخیم‌تر می‌شود وقتی که بدانیم مقتول، پدر دوست صمیمی «گلبرگ» و همسایه دیوار به دیوار آنهاست. «سروش» پسر مقتول مزاحمت‌های مختلفی ایجاد می‌کند. مادر که هیچ‌گونه حمایتی از اجتماع و خانواده نمی‌شود، مجبور است به تنهایی همه مشکلات را حل کند. برای اینکه دخترش در فضای ملتهب خانه نباشد و آسیب کمتری ببیند، او را به خانه مادربزرگ در روستا می‌فرستد. اتفاق‌هایی که در روستا رقم می‌خورد، باعث رشد و بزرگ شدن او می‌شود تا ما با گلبرگی متفاوت در پایان داستان مواجه شویم.

رمانی واقع‌گرا با مضمون امید، تلاش، زندگی و ایمان. نویسنده بنا ندارد، مشکلات را تندتند حل کند و نوجوان را با دنیای خیالی و فانتزی مواجه کند. دنیایی که غصه‌ها سریع فراموش می‌شوند و پایان خوشی برای داستان‌ها نوشته می‌شود. بلکه با روایت یک ماجرای معمولی، یعنی دعوای دو نفر در یک آپارتمان، داستان خواندنی را خلق می‌کند. داستانی که به ظاهر پر از غم، مشکل، درد، بحران و گره‌های ناگشودنی است، در لایه‌های زیرین امید و ایمان را به خواننده منتقل می‌کند. ما با قهرمانی جنگجو مواجه هستیم که قرار است اسب سفید را به پرواز دربیاورد. او در این سفر، منفعل و ناامید نیست بلکه برای زندگی و کسانی که دوستشان دارند، می‌جنگد و در مقابل همه مشکلات پیروز می‌شود. «گلبرگ» درفصل‌های آخر تصمیم می‌گیرد برای آدم زنده گریه نکند و قهرمان زندگی خودش باشد. حتی اگر در مقابل مرگ و قانون نتواند کاری از پیش ببرد. به طوری که در فصل دوازده ما هم مثل «گلبرگ» منتظر یک هوای تازه و نجات دهنده‌ای هستیم که یاری‌مان کند.

سادگی و کوتاهی جملات، تیتر روان؛ فصل بندی های دقیق، روایت اول شخص، توصیفات ساده و صمیمی نویسنده، که تازگی و طراوت خاصی دارند، تجربه خوبی برای خواننده نوجوان رقم می زند. خواننده هر چه جلوتر می رود مفاهیمی مثل عشق، دوستی، فداکاری، ایمان، انتظار، را روشن تر درک می کند. خاتم موسوی موفق شده سبک زندگی دینی را نه به صورت نمایشی و سطحی، بلکه عمیق و باورپذیر به مخاطب معرفی کند. مثلا در صفحه ۱۳۸ ترس‌های یک نوجوان به تصویر کشیده می‌شود، آقای معلم برای مقابله با مزاحمت‌های سروش راهکار درستی ارائه می‌دهد ولی گلبرگ از بدتر شدن کار می‌ترسد و کار را پیش نمی‌برد. نویسنده با این فصل به ترس‌ها، تردیدها و دنیای مه‌آلود نوجوان احترام گذاشته است. نزدیکی به دنیای نوجوان و توصیف‌های عالی را در مثال‌های زیر می‌توانید درک کنید.

«نسرین خانم آرام نمی گرفت، نفس کم می‌آورد. انگار توی قلبم سیخ داغ فرو می کردند.» صفحه ۲۳

«انگار صد تا اسب توی دلم شروع کردند به دویدن. سروش بود که با مشت و لگد به در می کوفت و داد می زد.» صفحه ۱۵۷

«نمی دانستم. واقعا نمی دانستم، دست کشیدم به بازوهایم. حس می کردم استخوان‌هایم درد می کنند و قفسه سینه‌ام تیر می کشد. من دیگر گلبرگ دو ماه پیش نبودم و طرفم داشت بزرگ می شد. شاید استخوان‌های آدم وقتی که دارد طرفش بزرگ می شود، درد می گیرد.»

داستان در شانزده فصل و ۱۸۸ صفحه روایت می‌شود. نویسنده کاربلد، اجازه نفس کشیدن و کنار گذاشتن کتاب را به خواننده نمی‌دهد.

امروز با حافظ

ای شرمنده غنچه مستور از تو

حیران و خجل نرگس مخمور از تو

گل با تو برابری کجا یارد کرد

کاو نور ز مه دارد و مه نور از تو فظ

کاریکاتور

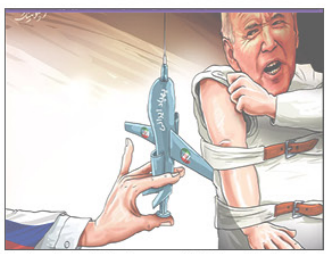

ادعای آمریکا درباره آموزش روس‌ها برای کار با بهپاد در ایران

نگاه روز

نگاهی به نمایش «شکوفه‌های گیلاس»

در ستایش پوچی و طریقت سامورایی

* رویا سلیمی

نمایش «شکوفه‌های گیلاس» به نویسندگی و کارگردانی محمد مساوات در سالن اصلی مجموعه تئاترشهر در حال اجراست. نمایش در چندین پرده به نام‌های دروازه یی دروازه، یوشیدو (طریقت سامورایی)، اکون یی اکون، ملاقات یا استاد، حرکت جوهری، ستوری (روشنگری)، آمیدا یودا، سایه یی سایه، هانامی و خودکشی، سرنوشت سامورایی مرددی را نمایش می‌دهد که برای خودکشی دچار تردید شده و برای کمک گرفتن از استاد برای اقدام به خودکشی آمده اما به دیدار استاد نائل آمدن خود چالش جدیدی است که درام این نمایش را می‌سازد. به نوعی دیدار یا استاد خود رسیدن به مقصود است. در نهایت نیز در تکیو برای دیدار استاد، مراحل سیر به سوی هاراکیری را طی می‌کند و به نوعی به مقصود خود می‌رسد.

نمایش بدون رد و بدل شدن کلامی میان دو شخصیت تنهای نمایش پیش می‌رود. دیالوگ های آنها پشت سر هم روی ویدئو پروژکشی که مقابل بیننده قرار گرفته نمایش داده می‌شود و دو کاراکتر تنها به انجام چند حرکت مقطع و نامفهوم می‌پردازند. ریتم کند و دعوت به سکوتی که مخاطب را به آن وامی‌دارد، اثر را از شکل نمایش خارج کرده و ما بیننده یکسری گفت‌وگوی تایپ شده روی پرده هستیم که دو بازیگر هم گاهی در میانه آن دست و پایی به نشانه اکت نمایشی تکان می‌دهند. وضعیت شخصیت‌ها در نمایش قرائر از آنچه گفته شد پیش نمی رود و هیچ ایده نمایشی خاصی پیگیری نمی‌شود.

اما فارغ از مسئله کارگردانی و دادن امتیاز برای چنین کاری که با امکانات بهترین سالن کشور برای اجرای (نمایش) در نظر گرفته شده، موضوع و آن چیزی است که نمایش به آن می‌پردازد. مرام و مسلک سامورایی که نقطه اوج و رسیدن او به تفکری که از آن پیروی می‌کند، خودکشی است. اساسا «شکوفه‌های گیلاس» مسیر موفقیت شخص در تصمیم به خودکشی و سختی‌هایی است که باید برای رسیدن به آن متحمل شود. گویی خودکشی امری مقدس و دور از دسترس است که همه توان انجام آن را نداشته و مانند یک مسلک و مرام الهی باید منازلی را پشت سر گذاشت تا به این مقصود «متعالی» به یاور طریقت سامورایی رسید. نکته اینجاست که چرا مسولین مربوطه اجرای چنین نمایشی را برای مخاطب ایرانی یا اعتقادات و باورهای مذهب شیعه مورد پذیرش می‌دانند. اساسا این اثر چه نسبتی با مخاطب ایرانی امروز برقرار می‌کند. در راستای تحکیم و تقویت کدام باور و اعتقاد او گام برمی‌دارد؟ آنچه که روی صحنه رخ می‌دهد مقدس جلوه دادن خودکشی یک سامورایی است که باید ترس و تردیدش را کنار بگذارد و به وصال از بین بردن خود برسد. آیا در کشور ژاپن یا دیگر کشورهایی که روزانه نمایش‌های متعددی از متن‌ها و نویسندگان آنها روی صحنه تئاتر کشور اجرا می‌شود، حرفی از مرام و مسلک یک مسلمان شیعه دوازده امامی می‌شود؟ عرفان عملی و نظری ما در کدام نمایش و اثر به جهانیان معرفی می‌شود؟ آسیدعلی قاضی‌ها، سید مهدی قوام‌ها، علامه طباطبایی‌ها و آیت‌الله بروجردی‌ها کجای سالن‌های نمایش دیگر کشورها دیده می‌شود. حتی در فرهنگ و گذشته و تاریخ و اسطوره ما نیز خودکشی مضموم و قبیح است چه رسد به دینی که گویا هیچ راهی به سالن‌های تئاتر ندارد. نه تنها دین اسلام یا مذهب شیعه در این نمایش ها دیده نمی‌شود، بلکه حرفی از خدا و وجود او نیز مطرح نیست. «شکوفه‌های گیلاس» اثری سراسر پوچ، نیست انگار و بی خداست که در آن مبدا و معادی متصور نمی‌شود. در دیالوگی سامورایی برای دیدن استاد می‌گوید: «صبر می‌کنم.» زن پاسخ می‌دهد: «بیهوده است.» سامورایی جواب می‌دهد: «زندگی همه بیهودگی است.» سپس از چیزی به نام آتمان یاد می‌کند و در ادامه از مخاطب می‌خواهد آتمان خود را بیابد. آتمان یعنی نفس کشیدن، یعنی خود. دعوت به خود، دعوت به سکوت و توجه به اکنونی که در آن حضور دارد. سپس می‌گوید: «آنگاه که باید بین مرگ و زندگی یکی را انتخاب کنی، مرگ را برگزین.» برگزیدن مرگ براساس چه اصل و اساسی صورت می‌گیرد؟ در اینجا منظور نیستی و نابودی است. یعنی نیستی را بر هستی، مرگ را بر زندگی ترجیح بده و این جملات دستوری را روی پرده برای مخاطب خطابه وار بیان می‌کند و مرام و مسلک ژاپنی را برای تماشاگر بدون هیچ اکت و ایده یا معنای دومی بیان می‌دارد.سپس از رود و جریان زندگی حرف می‌زند و اصطلاح بی ربط به موضوع و تفکر یک ژاپنی و سامورایی را مطرح می‌کند: (حرکت جوهری) این لفظ فلسفی که ملاصدرا واضح و آغازگر آن است را بر جریان زندگی تعبیر می‌کند. در حالیکه ملاصدرا عقیده داشت در نظام عالم، خدا قیض وجود را واصل می‌کند و جهان در هر لحظه در حال آفریده شدن است. به وجود قیض و کلی که ملاصدرا به آن اعتقاد داشته ابدا اشاره‌ای نمی‌شود و عامل محرک به کلی حذف می‌گردد. ضمن اینکه ممکن است کارگردان به حرکت جوهری ملاصدرا معتقد باشد، نیستش یا نمایشی پوچ انگار که این حرکت را در مسیر نیستی دانسته و آن را یکسر بیهوده می‌پندارد چیست؟ جز اینکه استفاده از الفاظ و کلمات فلسفی به کمک اثر باید بیاید و آن را شبیه فلسفی کند تا به مخاطب بفهماند البته که تو چیزی از حرکت جوهری نمی دانی و من دانای کل هستم، پس فقط بنشین به این ادای فلسفی چشم بدوز.

در پرده (آمیدا) یودا می‌گوید: «مقصود از این نمایش فرو رفتن به قعر اکون است.» قعر اکون و توجه به لحظه‌ای که در حال سپری شدن است، گویای چه مفهومی در ذهن مخاطب خواهد بود؟ سپس می‌گوید: «بیایید اکون خود را دریابیم که می‌گریزد.» دریابیم که زودتر به خودکشی برسیم؟ یا مفهوم زندگی را دریابیم؟ سپس مسیر پرسشگری را اینچنین می‌پیماید: «چه می‌جوشد در این اکون؟ جز نفس است؟ جز آتمان است و جز خودت؟» و لفظی کلامی از آن جوهر محرک نمی گوید و تنها ادای فلسفی را به رخ مخاطب می‌کشد. سپس می‌گوید: «نگاه کن این هوز است و صحنه را که تاریک است و نمایش را که هوز آغاز نشده است. همه چیز در تو است. هر سکوت ورزیدن و هر تماشا کردن. هر بودن در اکون. اکون. اکون.»

بعد که تاکید بسیار به اکون و دم می‌کند می‌پرسد: «زندگی چیست؟ سخت کوشیدن و کاری از پیش نبردن. چه سود؟ بی معنایی شگفت‌آور.»

اگر زندگی و اکون بی معنایی است که شگفتی تو را برانگیخته، چرا باید به آن توجه کرد و دم را غنیمت شمرد؟ در نهایت نیز تاکیدش بر «شکوفه‌های گیلاس» کایکاونانکای را چنین معنا می‌کند: «آنجا که شکوفه از ساقه خود را می‌رهاند.» این رهاندن شکوفه از ساقه، معنای دیگر خودکشی است که با فعل رها شدن تعبیر و توصیف می‌شود رها شدن از زندگی‌ای که سراسر پوچ و بی معنا است. در پایان می‌توان گفت گفتمان مسلط این اثر جهان‌بینی پوچی و بی خدایی است در جهانی که مرگ بر زندگی مرجح بوده و رها شدن از این زندگی پوچ و بی معنا یا خودکشی به سامان خواهد شد.